



An Analytical Study of *Mīrzā Nāʾīnī*'s Method in Validating Weak-Chain Traditions

Hamid Mohammadi  

1. PhD in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Meybod University. Yazd. Iran.

hamid387387@gmail.com; <https://orcid.org/0000-0002-8255-436X>

Article Info

ABSTRACT

Article Type:
Research Article

Article History:

Received 02 September
2025

Received in revised form
20 October 2025

Accepted 22 October
2025

Keywords:
Nāʾīnī, Compensating
for Weak Chains, Weak
Narrations, al-Kāfi.

The elevated status of ḥadīth in the formation of religious knowledge makes examining and verifying its attribution to the Infallibles a fundamental concern in Shīʿah jurisprudence. In this regard, Muḥammad-Ḥusayn Nāʾīnī, one of the prominent later jurists, employed the method of wuthūq al-ṣudūrī (confidence in issuance) to validate narrations with weak chains of transmission.

Using a descriptive-analytical approach and reviewing the scholarly works of the late Nāʾīnī, this study seeks to clarify his methods for authenticating narrations with weak transmission chains.

The findings indicate that Nāʾīnī, on one hand, regarded all narrations in al-Kāfi as textually reliable and not requiring isnād verification, and on the other hand, applied the principle of “compensating for a weak chain through general acceptance and practice” to validate such narrations. Furthermore, he drew upon several corroborative indicators, including leniency in the argumentation of sunan (recommended practices), attention to the implicit endorsements of earlier scholars, and acceptance of reports transmitted by disputed narrators such as Jābir ibn Yazīd al-Juʿfī and Ismāʿīl ibn Abī Ziyād al-Sukūnī,

Cite this article:

Mohammadi. H(2025). “An Analytical Study of *Mīrzā Nāʾīnī*'s Method in Validating Weak-Chain Traditions”. *Journal of Islamic Law and Jurisprudence*; 40(3); 69-92. 



© 2025 / The Author(s) retain the Copyright and full publishing rights.

Publisher: Islamic Propagation Office of Qom Seminary- Khorāsān-e-Razavi Branch. DOI: <https://doi.org/10.22034/jrj.2025.72669.3039>

to strengthen and confirm the validity of the reports' content .These approaches reflect Nā'īnī's systematic methodology in harmonizing ḥadīth sources with jurisprudential and practical realities, thereby contributing to the development and deepening of Shī'ah legal discourse.

**Journal of
Islamic Law and
Jurisprudence**

Vol.11 , No.40
2025

70

تصحیح روایت ضعیف السند توسط محقق نائینی^۱

۱. حمید محمدی 

۱. پژوهشگر مؤسسه آموزش عالی ائمه اطهار (علیهم السلام) دانش آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

<https://orcid.org/0000-0002-8255-436X>

رایانامه: hamid387387@gmail.com



تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

چکیده

تصحیح روایت
ضعیف السند
توسط محقق
نائینی (علیه السلام)
۷۱

جایگاه والای حدیث در شکل گیری معارف دینی، ضرورت بررسی و تأیید انتساب آن به معصومان (علیهم السلام) را به عنوان مسئله‌ای بنیادین در فقه شیعه مطرح می‌سازد. در این میان، محمدحسین نائینی، از فقهای برجسته متأخر، با بهره گیری از روش «وثوق صدور»^۱، به تصحیح روایات ضعیف السند پرداخته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی آثار علمی مرحوم نائینی، به تبیین شیوه‌های او در تصحیح روایات ضعیف می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نائینی با پذیرش تمامی روایات الکافی به عنوان متنی معتبر و بی‌نیاز از بررسی سندی، از یک سو و با به کارگیری قاعده «انجبار ضعف سند به واسطه عمل مشهور» از سوی دیگر، به تأیید روایات ضعیف دست می‌زند. افزون بر این، وی از قرائنی همچون تسامح در ادله سنن، توجه به روایات مضمر بزرگان و پذیرش روایات

۱. محمدی، حمید (۱۴۰۴). «تصحیح روایت ضعیف السند توسط محقق نائینی (علیه السلام)». جستارهای فقهی و اصولی.

 <https://doi.org/10.22034/jrj.2025.72669.3039>

۱۱: ۴۰ (۳). صص: ۶۹-۹۲.



© ۱۴۰۴. نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.
ناشر: مرکز تخصصی آخوند خراسانی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی.

راویان مورد اختلاف مانند جابر بن یزید جعفی و اسماعیل بن ابی‌زید سکونی برای تقویت و تأیید محتوای روایی بهره می‌گیرد. این رویکردها نشان‌دهنده نظام‌مندی فکری نائینی در تطبیق منابع روایی با واقعیت‌های فقهی و عملی است؛ امری که به توسعه و تعمیق مباحث فقهی شیعه انجامیده است.

کلیدواژه‌ها: نائینی، انجبار ضعف روایت، روایت ضعیف، الکافی.

مقدمه

در فقه شیعه، حدیث به‌عنوان یکی از منابع اصلی شکل‌گیری معارف دینی، از جایگاه والایی برخوردار است. با این حال، اعتبارسنجی روایات، به‌ویژه روایات ضعیف‌السند، همواره از چالش‌های بنیادین در حوزه حدیث‌پژوهی به‌شمار می‌آید. در این زمینه، پرسشی اساسی مطرح می‌شود: آیا می‌توان با اتکا به قرائن بیرونی و شواهد غیر سندی، به تأیید و پذیرش روایات ضعیف پرداخت؟ این مسئله زمینه‌ساز شکل‌گیری دو رویکرد اصلی در میان فقیهان شده است: «وثوق مُخبری» و «وثوق صدوری». در رویکرد نخست که از زمان علامه حلی (۷۲۶ق) رواج یافت، صحت سند و وثاقت راویان معیار اصلی حجیت حدیث به‌شمار می‌رود و هرگونه ضعف در سند، مانعی برای پذیرش روایت تلقی می‌شود. این روش هرچند از دقت علمی بالایی برخوردار است؛ اما با این نقد مواجه است که ممکن است روایات ارزشمند و دارای محتوای فقهی غنی، صرفاً به دلیل ضعف سند، از دایره استناد خارج شوند.

در مقابل، رویکرد «وثوق صدوری» بر این باور است که صدور حدیث از معصوم (علیه السلام) را می‌توان با تکیه بر شواهد و قرائنی فراتر از سند تأیید کرد. این دیدگاه که ریشه در روش محدثان و فقیهان قدیم دارد، درصدد گسترش دایره روایات معتبر است؛ با این حال، با چالش‌هایی در زمینه روشمندی و ضابطه‌مندی بهره‌گیری از قرائن مواجه است. در این میان، آیت‌الله محمدحسین نائینی (۱۳۱۵) با تکیه بر این رویکرد، نظامی منسجم و عقلانی برای تصحیح و اعتباربخشی به روایات ضعیف ارائه کرده است.

ازاین‌رو، تحلیل جامع و روش‌شناختی نظام فکری نائینی در آثارش همچنان

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۷۲

مغفول مانده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی، به بررسی شیوه نائینی در تصحیح روایات ضعیف می‌پردازد. هدف از این مطالعه، نه تنها شناسایی معیارهای تصحیح روایت در نگرش نائینی، بلکه تبیین و نهادینه‌سازی یک نظام تفکر روایی - فقهی منسجم است؛ نظامی که در آن، سند تنها معیار اعتبار حدیث نیست، بلکه مجموعه‌ای از شواهد عملی، محتوایی و تاریخی نیز در تعیین اعتبار روایات نقش آفرین هستند. این تحلیل، ضمن تبیین جایگاه نائینی در تاریخ فقه شیعه، به تعمیق درک از روش‌های اعتبارسنجی روایات و تبیین نقش قرائن در فقه روایی - استدلالی یاری می‌رساند.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر که به موضوع «تصحیح روایت ضعیف السند توسط محقق نائینی» می‌پردازد، از پیشینه مستقلی برخوردار نیست و بر اساس بررسی‌های انجام شده، این موضوع برای نخستین بار در قالب پژوهشی علمی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. البته، در این زمینه آثار محدودی سامان یافته‌اند؛ اما هیچ‌یک به‌طور مستقیم به بررسی این موضوع و تبیین مبانی و روش نائینی در تصحیح روایات ضعیف نپرداخته‌اند.

کتاب «حدیث ضعیف» تألیف امین حسین پوری توسط نشر دارالحدیث منتشر شده است، به بررسی شیوه ارزیابی احادیث ضعیف از منظر علمای شیعه می‌پردازد. نویسنده، همان‌گونه که در مقدمه کتاب تصریح می‌کند با رویکردی تاریخی - تحلیلی، روش قدمای شیعه را در ارزیابی احادیث ضعیف بررسی کرده است؛ اما به دیدگاه علمای متأخر شیعه و نیز علمای اهل سنت توجهی نشان نداده است.

کتاب «منهاج الفقهاء فی علم الرجال و دورها فی الفقه» نوشته محمدحسن ربانی نیز به تبیین مبانی «وثوق صدوری» و «وثوق سندی» نزد فقها می‌پردازد؛ با این حال، تمامی ابعاد وثوق صدوری در این اثر مورد واکاوی قرار نگرفته و برخی مباحث تنها به صورت گذرا مطرح شده‌اند. افزون بر این، نویسنده به دیدگاه‌های اهل سنت در این زمینه نپرداخته است.

کتاب «انجبار ضعف سند به وسیله عمل مشهور و انکسار قوت سند به وسیله

اعراض مشهور» تألیف منوچهر آقایی که در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است، همان گونه که از عنوان آن برمی آید، صرفاً به یکی از موارد انجبار ضعف سند، یعنی انجبار به واسطه عمل مشهور، پرداخته و از بررسی سایر قرائن مؤثر در جبران ضعف سند غفلت کرده است.

مقاله «قاعده انجبار ضعف سند با عمل مشهور» نوشته محمد زروندی رحمانی در مجله جستارهای فقهی و اصولی منتشر شده است. همچنین، مقاله‌ای با عنوان «انجبار ضعف سند و گونه‌های آن از منظر شیخ انصاری» به قلم محمد مهدی باقری و محسن دیمه کارگر در فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث به چاپ رسیده است.

مقاله دیگر با عنوان «وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها» نوشته محمد حسن بیرجندی در نشریه فقه منتشر شده است.

با وجود ارزش علمی این مقالات، هیچ‌یک به طور مستقیم به بررسی نظام فکری و روش‌شناسی محقق نائینی در تصحیح روایات ضعیف پرداخته‌اند.

با توجه به آنچه بیان شد، روشن می‌شود که محور و اهداف این مقاله با دیگر آثار موجود تفاوت اساسی دارد؛ از این رو، پژوهش حاضر از نوآوری و ابتکار در موضوع و رویکرد برخوردار است.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۷۴

۱. تصحیح روایات کافی

کتاب «الکافی» مجموعه‌ای از روایات در زمینه اصول و فروع دین است که توسط محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (۳۲۸ق)، از برجسته‌ترین عالمان شیعه، گردآوری شده است. این اثر گرانسنگ مشتمل بر سی و چهار کتاب و سیصد و بیست و شش باب است و در مجموع ۱۵۱۸۱ روایت از میراث گرانبهای سخنان پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام را در خود جای داده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۴۵/۱۷).

با این حال، در خصوص میزان صحت و اعتبار تمام روایات این مجموعه، میان صاحب‌نظران دو دیدگاه اصلی وجود دارد.

برخی از دانشمندان و فقها بر این باورند که تمام اسناد کتاب کافی صحیح السند هستند و نیازی به بررسی سندی جداگانه وجود ندارد. آیت الله بروجردی معتقد است که ذکر اسناد کافی صرفاً از باب تیمن و تبرک است و بررسی سند ضرورت ندارد (سبحانی تبریزی، ۱۳۶۹، ۳۸۵). همچنین، علامه مجلسی در مقدمه مرآة العقول می نویسد که روایات کافی معتبر و قابل عمل هستند و دلیل آن را وجود این احادیث در اصول معتبر می داند. وی می افزاید که مراجعه به اسناد کافی زمانی ضرورت می یابد که بین اخبار تعارض وجود داشته باشد و اینکه تمام روایات کافی معتبرند، منافاتی با این ندارد که برخی از آنها قوی تر باشند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۱/۱).

بیشتر فقیهان معتقدند روایات کافی باید از نظر سند بررسی گردد و به اصطلاح «سندشناسی» شود. اگر چه کتاب کافی جایگاه فوق العاده ای دارد و درباره آن گفته شده است: «أنه لم يعمل مثله» یا «لم یصنّف مثله» (ربانی، ۱۳۹۴، ۳۸). آیت الله خویی که طرفدار این نظریه است، پنج اشکال مهم بیان می کند در این باره اینکه تمام اسناد کافی صحیح السند باشد:

۱- مؤلف کافی دوازده روایت از غیر معصوم نقل کرده است و این با درخواست سائل که از کلینی خواسته بود اثری تألیف کند که تنها مشتمل بر آثار صحیح باشد، منافات دارد (خویی، ۱۴۱۳، ۸۳/۱).

۲- خود کلینی نیز اعتقاد نداشت که تمام احادیث کافی صحیح است؛ زیرا اگر چنین بود، در هنگام تعارض روایات، اخذ به شهرت روایی را به عنوان مرجح نمی دانست؛ چرا که اخذ روایت مشهور برای تمیز بین روایات صادره از معصوم علیه السلام و غیر معصوم کاربرد دارد (خویی، ۱۴۱۳، ۲۵/۱).

۳- شیخ صدوق چنین اعتقادی نداشت؛ هنگامی که از وی خواسته شد کتابی مانند «من لایحضره الطیب» تألیف کند، امتناع نکرد و اگر در نظر او تمام احادیث کافی صحیح بود، باید به آن ارجاع می داد. علاوه بر این، در باب «أن الوصی یمنع الوارث» درباره روایتی می نویسد: «این روایت را فقط در کتاب کلینی یافتیم و طریقی جز آن ندارد». این بیان نشان می دهد که این روایت در نظر وی ضعیف است و اگر تمامی احادیث کافی در نظر او صحیح محسوب می شد،

هرگز چنین سخنی نمی گفت (خویی، ۱۴۱۳ق، ۲۶/۱).

۴- شیخ طوسی نیز بر این باور نبود که تمام روایات کافی از معصوم علیه السلام صادر شده است؛ شاهد این مدعا آن است که وی در دو کتاب خود، یعنی تهذیب و استبصار، در اسناد کافی به مناقشه پرداخته و برخی از آن‌ها را ضعیف دانسته است. اگر روایات کافی در نظر او مقطوع الصدور بودند، هرگز در اسناد آن‌ها خدشه وارد نمی کرد (خویی، ۱۴۱۳ق، ۲۸/۱).

۵- برخی از اسناد کافی نیز با مشکلات ارسال همراه هستند و افرادی مجهول الهویه در این کتاب ذکر شده‌اند. علاوه بر این، کسانی مانند ابوالبختری که مشهور به جعل و دروغ‌گویی هستند، در سلسله اسناد کافی حضور دارند (خویی، ۱۴۱۳ق، ۸۵/۱). آیت‌الله داوری در کتاب رجال خود به این اشکالات پاسخ داده و معتقد است که تمام اسناد کافی صحیح هستند و هیچ اشکالی بر آن‌ها وارد نیست. پاسخ‌ها به ترتیب به شرح زیر است:

۱- در پاسخ به اشکال اول، ایشان با بررسی‌های خود نشان می‌دهد که دوازده روایتی که آیت‌الله خویی ادعا می‌کند که از غیر معصوم نقل شده است، در واقع از معصومین صادر شده و مرحوم کلینی آن‌ها را از شاگردان آنان نقل کرده است. تنها دو یا سه روایت از غیر معصوم نقل شده است.

۲- آیت‌الله داوری در پاسخ به اشکال دوم توضیح می‌دهد که مرحوم کلینی سه مرجح را مطرح کرده است: موافقت با قرآن، مخالفت با عامه و شهرت روایی. این مرجحات برای پاسخ به درخواست‌کننده کتاب ذکر شده بود که درباره اختلاف روایات سؤال کرده بود؛ بنابراین شامل کل کتاب نمی‌شود، بلکه تنها در باب تعارض روایات جاری است.

۳- کسی که از مرحوم صدوق درخواست کتاب فقهی کرده بود، انتظار داشت اثری ارائه شود که خالی از روایات متعارض باشد، حال آنکه کتاب کافی چنین ویژگی‌ای ندارد. علاوه بر این، کتاب کلینی شامل روایات اصول و فروع دین است، برخلاف من لایحضره الفقیه. درباره روایتی که شیخ صدوق فرموده بود: «این روایت را فقط در کتاب کلینی یافتم و طریقی جز آن ندارم»، آیت‌الله داوری توضیح

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۷۶

می‌دهد که این سخن نشانگر ضعف روایت نیست؛ بلکه شیخ صدوق برای رعایت امانت در نقل، چنین بیان کرده است؛ زیرا در ابتدای کتاب خود تصریح می‌کند که طریق وی برای روایات متعدد است و این روایت تنها یک طریق دارد.

۴- مناقشه شیخ طوسی تنها در روایات متعارض مطرح شده است و نه در سایر روایات. علاوه بر این، مناقشه وی مبنایی است؛ به این معنا که مرحوم کلینی در موارد تعارض، قائل به تخییر است، در حالی که شیخ طوسی در باب تعارض به سوی ترجیح تمایل دارد. در مجموع، شیخ طوسی در کتاب‌های کافی تنها بر چهار مورد از روایات مناقشه کرده است.

۵- روایات موجود در کافی، هرچند ممکن است دارای مشکلات ارسال یا ضعف راوی باشند؛ اما مصنف کافی آن‌ها را از اصول مشهوره و معتبر انتخاب کرده است؛ بنابراین نیاز به بررسی سندی جداگانه ندارند. برخی از این روایات حتی بر امام علیه السلام عرضه شده و حضرت آن‌ها را صحیح دانسته‌اند، مانند روایات موجود در کتاب‌های یونس و حلبی. همچنین، برای برخی روایات طرق متعدد موجود است و ذکر یک طریق تنها از باب تیمن و تبرک و نیز خارج کردن حدیث از مشکل ارسال بوده است (داوری، ۱۴۱۶ق، ۴۰).

تصحیح روایت
ضعیف‌السند
توسط محقق
نائینی رحمته الله

۷۷

از این‌رو، می‌توان دریافت که چرا محقق نائینی معتقد بود تمام روایات کافی صحیح هستند و نیازی به بررسی سندی ندارند. شاگرد وی، آیت‌الله خویی، نقل می‌کند که استادشان در جلسه درس درباره اعتبار اسناد کافی فرمود: «إن المناقشة في أسناد روایات الكافي حرفة العاجز؛ اشكال سندی کردن به روایات کافی، کاری است که از فهم و درایت احادیث عاجز است» (خویی، ۱۴۱۳ق، ۸۱/۱).

آیت‌الله خویی می‌افزاید که بسیاری از علما برای اثبات این نظریه به مقدمه کتاب کافی استدلال می‌کنند و احتمالاً این همان دلیل دیگری است که مرحوم نائینی بر آن تأکید داشت. در مقدمه کتاب، کلینی می‌نویسد:

«وقلت: إنك تحب أن يكون عندك كتاب كاف يجمع (فيه) من جميع فنون علم الدين، ما يكتفي به المتعلم ويرجع إليه المسترشد و يأخذ منه من يريد علم الدين و العمل بالأثار الصحيحة عن الصادقين عليهم السلام و السنن القائمة التي عليها العمل و بها

یؤدی فرض الله عز و جل و سنة نبیه ﷺ ((کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/۲۴).

طبق این عبارت، یک برادر دینی از کلینی درخواست کرده بود آثار صحیح اهل بیت ﷺ را جمع آوری کند و کلینی در پاسخ، کتاب کافی را تألیف نمود تا شامل تمامی فنون علم دین باشد و به نیازهای علمی و عملی پژوهندگان پاسخ دهد.

۲. جبران ضعف روایت

ضعف سند حدیث با جعلی یا موضوع بودن آن کاملاً متفاوت است. از این رو، در برخی احادیث نسبت به طرح و انکار روایات منسوب به ائمه ﷺ تحذیر شده است. ابوبصیر از امام ﷺ نقل می کند که ایشان اجازه نداده اند روایتی که از ناحیه مرجئه، قدریه یا خوارج به آنان نسبت داده می شود، مورد انکار قرار گیرد؛ زیرا ممکن است در آن خبر حقیقتی نهفته باشد که با دروغ دانستن آن، خداوند در عرش تکذیب شود (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۲/۳۹۵).

همچنین، در حدیثی دیگر با سند مستحکم از امام باقر ﷺ نقل شده است که انکار حدیثی که احتمال دارد از ناحیه اهل بیت ﷺ صادر شده باشد، سبب خروج از ولایت آنان می شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۲۳).

از این رو، مقوله ضعف سند در میراث روایی شیعه از جمله موضوعاتی است که از دیرباز تاکنون ذهن فقیهان و حدیث پژوهان فریقین را، به ویژه در حوزه استنباط و فقه استدلالی، به خود مشغول کرده است. تلاش های مستمر در این زمینه موجب شده است تا ملاک های متعددی برای تصحیح سند روایات ضعیف تدوین گردد. یکی از این فقها، محقق نائینی است که در ادامه به دیدگاه های ایشان در این راستا پرداخته شده است.

۲/۱. اعتماد به شهرت روایت

یکی از قواعد پرکاربرد در فقه، قاعده «انجبار ضعف سند روایت ضعیف با عمل مشهور» است. بر اساس این قاعده، کسانی که آن را پذیرفته اند، نوعی توثیق عملی برای راویان ضعیف قائل شده اند؛ به این معنا که صدها حدیث ضعیف از این طریق

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۷۸

تصحیح شده و در زمره احادیث معتبر قرار گرفته‌اند.

در این زمینه، صاحب‌نظران سه مصداق برای شهرت بیان کرده‌اند. پرسش اصلی آن است که آیا انجبار ضعف سند با عمل مشهور، شامل تمام اقسام شهرت است یا تنها برخی از آن‌ها را دربر دارد؟ و در صورت دوم، کدام یک از این مصداق به عنوان مصداق تصحیح سند روایت شناخته می‌شود؟

۲/۱/۱. قسم اول: شهرت فتوایی

مقصود از این نوع شهرت آن است که فتوایی نزد فقها شهرت دارد؛ اما مستند آن معلوم نیست. در این حالت ممکن است روایتی مطابق آن فتوای مشهور وجود داشته باشد؛ اما مستند آن مشخص نشده باشد یا اساساً خبری مطابق فتوای مشهور وجود نداشته باشد (مظفر، ۱۴۳۰ق، ۱۶۸/۳).

این نوع شهرت مرتبط با محل بحث انجبار ضعف سند با عمل مشهور نیست و از دایره بررسی خارج است.

۲/۱/۲. قسم دوم: شهرت روایی

تصحیح روایت
ضعیف‌السند
توسط محقق
نائینی رحمته الله علیه
۷۹

این نوع شهرت مربوط به روایتی است که نقل آن به حد تواتر نمی‌رسد. در این حالت، شرط نیست که عمل طبق خبر نزد فقها نیز مشهور باشد و ممکن است مشهور باشد یا نباشد. کاربرد شهرت روایی عمدتاً در باب تعارض اخبار است؛ زیرا شهرت روایی یکی از مرجحات محسوب می‌شود و موجب ترجیح یک روایت بر دیگری در موارد تعارض می‌گردد (مظفر، ۱۴۳۰ق، ۱۶۸/۳).

این نوع شهرت نیز از قلمرو موضوع این مقاله خارج است و صرف شهرت روایت انجبار سند را به دنبال ندارد.

۲/۱/۳. قسم سوم: شهرت عملی

مقصود از این نوع شهرت، فتوای مشهور فقها طبق روایت ضعیف‌السند است؛ به عبارت دیگر، شهرت فتوایی که مستند آن روایت مشخص و معلوم باشد (مظفر، ۱۴۳۰ق، ۱۶۸/۳).

این نوع شهرت محل بحث اصلی است؛ زیرا پرسش این است که آیا شهرت عملی می‌تواند موجب انجبار سند روایت ضعیف شود یا خیر. در این زمینه، چهار

دیدگاه مطرح شده است:

تصحیح سند ضعیف به طور مطلق: این دیدگاه معتقد است که هر نوع شهرت عملی می تواند موجب تصحیح سند شود، بدون توجه به کیفیت روایت. **عدم تصحیح ضعف سند به طور مطلق:** برخی از بزرگان معاصر، از جمله آیت الله خوئی، معتقدند که ضعف سند با شهرت عملی قابل جبران نیست (خوئی، بی تا، ۶/۱). **قول به تفصیل:** در این دیدگاه، اگر عمل مشهور موجب حصول اطمینان به صدور روایت شود، آن را تأیید کرده و سند آن را تقویت می کند؛ در غیر این صورت، ضعف سند جبران نخواهد شد (حسینی شاهرودی، ۱۳۸۵، ۲۱۱/۳).

تفصیل میان عمل مشهور فقهای متقدم و فقهای متأخر: در این دیدگاه گفته می شود که عمل مشهور فقهای متقدم می تواند به تصحیح و جبران ضعف سند کمک کند، در حالی که عمل فقهای متأخر چنین تأثیری ندارد (سبزواری، بی تا، ۴/۱). مشهور فقها قائل هستند که شهرت فتوایی می تواند ضعف سند را جبران کند. یکی از این صاحب نظران، آیت الله نائینی است که در مباحث مختلف فقهی برای انجبار اسناد احادیث به این قاعده تمسک می کند (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۳۸۲/۱). برای روشن شدن مطلب، در ادامه به دو نمونه از استفاده ایشان از قاعده اشاره خواهد شد.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۸۰

مثال اول: ستر در نماز

در مسئله نمازگزاری بدون ساتر، اگر شخص بتواند وارد گودالی شود و در آن نماز بخواند، پرسش این است که آیا استفاده از گودال به عنوان ساتر بر او واجب است یا خیر؟ محقق نائینی در این باره بیان می کند که روایت ایوب بن نوح بر وجوب ورود به حفره برای نماز دلالت دارد: «عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْعَارِي الَّذِي لَيْسَ لَهُ تَوْبٌ إِذَا وَجَدَ حُفْرَةً دَخَلَهَا وَيَسْجُدُ فِيهَا وَيَرْكَعُ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳۶۵/۲).

با اینکه مرسله بودن روایت موجب برخی مشکلات سندی می شود، نائینی می فرماید: «أَنَّ عَمَلَ الْأَصْحَابِ بِهَا يَكُونُ جَابِرًا لَهَا، فَمِنْ هَذِهِ الْجِهَةِ لَا إِشْكَالَ؛ عَمَلُ كَرْدَنِ أَصْحَابِ جِبْرَانَ ضَعْفٌ رَوَايَتُهُ اسْتَوْجِبَتْ مِنْ هَذِهِ الْجِهَةِ اشْكَالًا وَاجِدَ نَادِرًا»

(نائینی، ۱۴۱۱ق، ۱/۳۹۴).

به عبارت دیگر، عمل اصحاب در انجام چنین عملی، ضعف سند روایت را جبران می کند و از این منظر، مشکلی در اعتبار روایت وجود ندارد.

مثال دوم: نماز با وبر خرگوش

پرسش این است که آیا نماز با لباسی تهیه شده از پوست خرگوش (وبر) صحیح است یا خیر؟ دو روایت بر حرمت نماز در چنین لباسی دلالت دارند:

۱. مکاتبه احمد بن اسحاق: «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَبْهَرِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ... فَهَلْ تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي وَبَرِ الْأَرَانِبِ... فَكَتَبَ عَلَيْهِ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۰۶).
۲. مکاتبه علی بن مهزیار از ابراهیم بن عقبه: «عِنْدَنَا جَوَارِبُ وَتِكَكُ تُعْمَلُ مِنْ وَبَرِ الْأَرَانِبِ... فَهَلْ تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي وَبَرِ الْأَرَانِبِ... فَكَتَبَ عَلَيْهِ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/۳۹۹).

با این حال، محقق نائینی معتقد است که هر دو روایت ضعف سند دارند؛ اما عمل مشهور فقها می تواند ضعف سند را جبران کند و اعتبار آن ها را تضمین نماید (نائینی، ۱۴۱۸ق، ۱۰۱).

تصحیح روایت
ضعیف السند
توسط محقق
نائینی رحمته الله

مثال سوم: نماز غفيله

برخی از فقها نماز غفيله را مشروع نمی دانند؛ اما محقق نائینی معتقد است از آنجا که علما بر اساس روایت نماز غفيله عمل کرده اند، این نماز اعتبار و قوت بالایی دارد؛ بنابراین مناقشه درباره مشروعیت آن مورد توجه قرار نمی گیرد (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۶).

مثال چهارم: نماز قبل از وقت

بر اساس روایتی از امام صادق عليه السلام: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْخُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَبَاحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ وَأَنْتَ تَرَى أَنَّكَ فِي وَقْتٍ وَلَمْ يَدْخُلِ الْوَقْتُ فَدَخَلَ الْوَقْتُ وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَقَدْ أَجَزَأَتْ

عَنْكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/۲۸۶).

بنابراین، اگر مکلف پیش از آغاز وقت نماز، نماز خود را شروع کند و تصور داشته باشد که وقت آغاز شده و سپس در حین نماز وقت واقعی داخل شود، نماز او صحیح خواهد بود.

محقق نائینی در توضیح این روایت می‌فرماید که از آنجا که مشهور فقها بر اساس این روایت عمل کرده‌اند، بحثی در مورد ضعف سند آن وجود ندارد (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۳۷).

تا اینجا روشن شد که در نظر محقق نائینی، عمل مشهور طبق روایت ضعیف می‌تواند ضعف حدیث را جبران کند. بالعکس، اگر مشهور اصحاب از روایت صحیح اعراض کنند، این موجب طرد آن روایت خواهد شد. به عنوان مثال، در مورد رکعات نافله‌های پنج‌گانه، احادیث مختلفی وارد شده است. برخی احادیث تعداد رکعات نافله‌های یومیه را سی و سه رکعت می‌دانند و نافله عشا را ذکر نکرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸/۷۹).

در روایتی دیگر، تعداد رکعات نافله بیست و نه رکعت ذکر شده است که علاوه بر حذف نافله عشا، چهار رکعت از نوافل عصر نیز کم شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴/۵۹).

در روایتی دیگر، تعداد رکعات بیست و هفت رکعت آمده است که علاوه بر موارد حذف شده، دو رکعت از نافله مغرب نیز ذکر نشده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴/۵۹).

محقق نائینی در این باره می‌فرماید: «هذا و لكن حيث كانت هذه الطوائف ممّا أعرّض عنها الأصحاب و إن كان يوجد بينها من الصحاح فلا بدّ إمّا من طرحها أو تأويلها بما لا ینافی ما علیه المشهور؛ اصحاب از این احادیث روی گردان شده‌اند، هر چند در بین آن‌ها روایات صحیح وجود دارد. در نتیجه، این احادیث باید کنار گذاشته شوند یا به معنایی تأویل شوند که با نظر مشهور منافاتی نداشته باشند» (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۵).

از امام زمان علیه السلام نقل شده است که آخرین وقت نماز عشا نزدیک از بین رفتن

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۸۲

شفق است: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ إِلَى أَنْ تَشْتَبِكَ النُّجُومُ؛ ملعون است ملعون هر کس نماز عشا را تأخیر بیندازد تا زمانی که ستارگان آسمان مانند شبکه به هم بگذرند» (طوسی، ۱۴۱۱، ۲۷۱).

با این حال، اعراض مشهور باعث ضعف روایت شده است و محقق نائینی به این نکته تصریح می‌کند: «و هذه الرواية بظاهرها تدلّ على أنّ آخر وقت العشاء هو اشتباك النجوم الذي هو قريب من سقوط الشفق، ولكن الظاهر أنّه لم يعمل بها أحد» (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۷۶/۱).

در نظر محقق نائینی، آنچه باعث جبران ضعف روایت می‌شود، عمل پیشینیان از علما است و ایشان بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۳۸۲/۱).

۲/۲. تسامح در ادله سنن

احادیث به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: الزامیات و غیر الزامیات.

در بخش الزامیات، احادیثی مورد نظر هستند که به واجبات و محرمات مربوط می‌شوند. این دسته از احادیث مستقیماً با اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان در ارتباط است و نقش مهمی در تعیین چارچوب‌های اخلاقی و دینی زندگی مسلمانان دارد.

از این رو، علما و متخصصین علوم حدیث با دقت و حساسیت بیشتری به صحت و سندیت این احادیث می‌پردازند.

از سوی دیگر، احادیث در دسته غیر الزامیات شامل مستحبات، مکروهات و بیان فضائل قرار می‌گیرند. این احادیث عمدتاً به تقویت اخلاق، افزایش معرفت دینی و ارتقای معنویت فردی و جمعی می‌پردازند.

به دلیل ورود روایات من بلغ در ارزیابی صحت و دقت این دسته از احادیث، نوعی تساهل و تسامح توسط علما و محدثین اعمال می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸۷/۲). محقق نائینی یکی از اندیشمندانی است که از این قاعده بهره برده است. در دیدگاه ایشان، این قاعده تنها در مواردی کاربرد دارد که شک در مشروعیت عبادت وجود داشته باشد، یعنی احتمال داده شود که شارع آن را طلب نکرده است. در

چنین مواردی، به برکت قاعده، مطلوبیت و احراز عبادت ثابت می‌شود؛ اما در جایی که مبعوضیت فعل و احراز ذات آن ثابت باشد، این قاعده اثرگذار نیست؛ زیرا حکم اولی ثابت برای ذات فعل را رفع نمی‌کند و برای تعیین حکم ثانوی، نیاز به دلیل خاصی است که متکفل آن شود، همان‌طور که در مورد برخی نوافل مشاهده می‌شود (نائینی، ۱۴۲۱ق، ۱۳۰).

در ادامه، به دو مورد از استفاده محقق نائینی از این قاعده اشاره خواهد شد.

۲/۲/۱. نافله عشا در سفر

در مورد ساقط شدن نافله عشا در سفر، مشهور بین فقها بر ساقط شدن آن است و حتی ادعای اجماع بر این مسئله شده است (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۱۷/۱). دلیل این حکم، اخبار مستفیض است که نشان می‌دهد هر نمازی که در سفر شکسته می‌شود، نافله‌اش نیز ساقط می‌گردد. در برخی از این روایات آمده است که نماز در سفر دو رکعت و قبل و بعد از آن چیزی نیست، مگر نماز مغرب (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۸۲/۴).

با این حال، برخی از علما نقل کرده‌اند که نافله عشا در سفر ساقط نمی‌شود، به دلیل روایت فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام که فرمودند:

«نماز عشا شکسته شد و دو رکعت آن ترک نمی‌شود؛ زیرا آن دو رکعت، افزایشی در پنجاه رکعت (نمازهای واجب و مستحب) به عنوان تطوع است تا به وسیله آن، به جای هر رکعت از فریضه، دو رکعت از نافله تمام شود».

همچنین در خبر ابن ضحاک آمده است که امام رضا علیه السلام در سفر نماز وُتیره (نافله عشا نشسته) می‌خواندند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۸۳/۴).

محقق نائینی بر اساس این دو روایت، نماز نافله عشا در سفر را جایز می‌داند و معتقد است که اگر سند این روایت ضعیفی داشته باشد، می‌توان آن را با دلایل سنن تقویت کرد (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۱۷/۱).

۲/۲/۲. چهار رکعت نافله پس از عشا

در مورد نافله چهار رکعت بعد از نماز عشا، روایتی وارد شده است که امام صادق علیه السلام آن را می‌خواندند و از برخی بزرگان نقل شده است که در سفر و حضر بر آن مداومت داشته‌اند. محقق نائینی برای انجبار ضعف این روایت از دو طریق

عمل می‌کند:

۱. اعمال اصحاب بر این روایت که خود دلیل عملی بر صحت آن است.
۲. تسامح در ادله سنن، به گونه‌ای که ضعف سند با عمل مشهور جبران می‌شود (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۶).

۲/۳. استناد به حدیث مضمَر

نویسندگان و محدثان قدیم برای صرفه‌جویی در کاغذ، قلم و وقت از شیوه‌هایی مانند إضمار استفاده می‌کردند که در آن به جای ذکر اسم، ضمیر به کار می‌رفت. ضمائر گاه در ابتدای سند، گاه در وسط سند و گاه در پایان سند ذکر می‌شدند. این روش در اسناد بسیاری از کتب روایی کهن، مانند المحاسن، بصائر الدرجات، الکافی و آثار شیخ صدوق مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از وظایف مهم سندشناسان، پیدا کردن مرجع این ضمائر و بازسازی صحیح اسناد است. در حجیت احادیث مضمَر سه قول وجود دارد:

۱. عدم حجیت مطلقاً؛ در این دیدگاه، فرقی ندارد که راوی مضمَر چه کسی باشد، چه از بزرگان و فقها باشد و چه جزء ثقات؛ زیرا احتمال دارد ضمیر به غیر معصوم بازگردد و این احتمال برای عدم حجیت کافی است. این قول را حسن بن زین‌الدین، پسر شهید ثانی، در کتاب خود به جمعی از اصحاب نسبت داده است (عاملی، ۱۳۶۲، ۳۹).

۲. مطلقاً حجت است؛ براساس این دیدگاه، اکثر روایات ما و مصنفان کتب روایات، احادیث را به صورت مشافه‌ای از ائمه عليهم‌السلام دریافت و در کتب خود ثبت می‌کردند. رعایت بلاغت اقتضا می‌کند که در ابتدای کلام اسم ظاهر آورده شود و در جملات بعدی به جای اسم از ضمیر استفاده گردد. کسی که بر این روش ممارست داشته باشد، متوجه می‌شود که فرقی بین اسم ظاهر و ضمیر وجود ندارد. این قول را نیز حسن بن زین‌الدین پذیرفته است (عاملی، ۱۳۶۲، ۳۹).

۳. قول به تفصیل؛ نظر مشهور محدثین و فقها همین است که اگر راوی از بزرگان و اجلا باشد، مضمَر بودن روایت موجب خدشه در حجیت آن نمی‌شود؛ زیرا راویان

بزرگ از غیر معصوم سؤال نمی کنند.

۴. در این باره، مامقانی می گوید: اظهر این است که احادیث بزرگان امثال زراره و محمد بن مسلم و... روایات مضممرشان حجت است؛ بلکه ظاهر این است که مطلق موثقین از اصحاب روایت، روایات مضممرشان حجت است؛ زیرا ظاهر اصحاب ائمه علیهم السلام مسائل شرعی را فقط از آنان سؤال می کردند (مامقانی، ۱۳۸۵، ۲۵۲).

در مورد آخرین وقت نماز عشا بین علما اختلاف نظر وجود دارد؛ مشهور و محقق نائینی بر این باور هستند که وقت نماز عشا تا نصف شب باقی است (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۷۴/۱). با این حال، برخی از اخبار، از جمله مضمرة عمار، دلالت دارند که وقت نماز عشا تا ثلث شب است: «وَفِي رِوَايَةٍ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَقْتُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲۱۹/۱).

محقق نائینی در این باره معتقد است که این گونه روایات وقت فضیلت نماز عشا را نشان می دهند، نه وقت جزایی آن؛ یعنی تا ثلث شب وقت فضیلت است و پس از آن، نماز از وقت فضیلت خارج می شود: «فهذه جملة الأخبار الواردة في المقام، و أنت إذا نظرت في هذه الأخبار على اختلافها تعرف أنها ليست بصدد بيان الوقت الإجزائي، بل إنما هي لبيان وقت الفضل» (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۷۶/۱).

از اینکه محقق نائینی روایت مضمرة معاوية بن عمار را پذیرفته و بر آن ایرادی نگرفته اند، برمی آید که ایشان حداقل از میان سه نظر درباره احادیث مضممره، نظر سوم را قبول دارند؛ یعنی اضممار بزرگان و اجلا روات را حجت می دانند؛ زیرا عمار به شهادت نجاشی از بزرگان اصحاب بوده است: «كان وجهاً في أصحابنا و مقدماً كبير الشأن عظيم المحل ثقة» (نجاشی، ۱۳۶۵، ۴۱۱).

۲/۴. پذیرش روایات راویان اختلافی

پذیرش یار روایات برخی از راویان اختلافی به دلیل کثرت روایات نقش تعیین کننده ای در فقه دارد؛ زیرا اگر یک مجتهد روایات یک راوی را قبول کند، فتوای او ممکن است با فتوای مجتهدی دیگر که همان روایات را رد کرده، متفاوت

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۸۶

باشد.

یکی از کسانی که روایات راویان اختلافی را می‌پذیرد، محقق نائینی است که در ادامه به برخی از این راویان اشاره خواهد شد.

۲/۴/۱. جابر بن یزید جعفی

دیگر راوی که در وثاقت او بین صاحب‌نظران اختلاف است، «جابر بن یزید جعفی» است. نجاشی بر این نظر است که وی احادیث صحیح و ضعیف را با هم خلط می‌کند: «کان فی نفسه مختلطاً» (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۲۸).

شیخ طوسی وی را توثیق نکرده و تنها به عبارت «أسند عنه، روی عنهما» اکتفا کرده است که نشان می‌دهد نام وی در احادیث سنددار آمده است (طوسی، ۱۳۷۳، ۱۷۶).

همچنین در رجال کشی حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که دلالت بر تضعیف جابر می‌کند (کشی، ۱۴۰۹ق، ۴۳۶/۲)؛ ولی آیت‌الله خویی آن را حمل بر توریه می‌کند (خویی، ۱۴۱۳ق، ۳۴۵/۴).

تصحیح روایت
ضعیف‌السند
توسط محقق
نائینی رحمته الله

۸۷

در حدیثی دیگر آمده است که اصحاب در احادیث جابر بن یزید اختلاف داشتند و شخصی به نام زیاد بن ابی حلال این مسئله را از امام صادق علیه السلام پرسیده است.

زمانی که بر امام صادق علیه السلام وارد شد، قبل از پرسش او، امام برای جابر بن یزید ترحم نمودند و سپس تعبیر «کان یصدق علینا» را در مورد جابر بن یزید به کار بردند (کشی، ۱۴۰۹ق، ۴۳۶/۲) که ثقه بودن وی را نشان می‌دهد.

آیت‌الله خویی نیز به دلیل شهادت بزرگان مانند علی بن ابراهیم، شیخ مفید، ابن غضائری و روایت ابی حلال، جابر بن یزید را ثقه می‌داند (خویی، ۱۴۱۳ق، ۳۴۴/۴).

آیت‌الله نائینی پس از نقل روایت از جابر بن یزید جعفی، بدون هیچ گونه اشکال سندی، روایت وی را پذیرفته و سکوت ایشان خود نشانه قبول روایات جابر است: «و فی روایة جابر عن أبی جعفر علیه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله إذا غاب القرص أظطر الصائم و دخل وقت الصلاة» (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۵۷/۱).

۲/۴/۲. اسماعیل بن ابی زیاد سکونی

در مورد سکونی نیز میان عالمان اختلاف نظر وجود دارد. نجاشی هنگام اشاره به وی درباره وثاقت اظهار نظری نکرده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ۲۶)؛ همچنین در کتاب «رجال» شیخ طوسی نیز اطلاعاتی در این زمینه نیامده است (طوسی، ۱۳۷۳، ۱۶۰). با این حال، در کتاب «عُدَّة الاصول» طوسی بر وثاقت سکونی ادعای اجماع کرده است (طوسی، بی تا، ۳۸۰/۱). در «رجال» علامه حلی نیز به عامی بودن او تصریح شده است (حلی، ۱۴۰۲ق، ۱۹۹). مرحوم مامقانی با کنار هم قرار دادن قرائن، وی را ثقه می داند و از نظر مذهبی شیعه می داند که به دلیل شرایط مأمور به تقیه بوده است (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ۳۸۶/۹).

روایات اسماعیل بن ابی زیاد در نزد محقق نائینی معتبر است. وی پس از نقل روایت از سکونی، هیچ گونه اشکالی درباره شخصیت رجالی او وارد نمی کند: «و قد استدلل علی اعتبار ذلك بما رواه السكوني عن أبي عبد الله عليه السلام أنَّ أمير المؤمنين عليه السلام سئل عن سفرة...» (نائینی، ۱۴۱۱ق، ۲۱۴/۱).

نتیجه گیری

مقاله حاضر با هدف بررسی روش محقق نائینی در تصحیح روایات ضعیف السند و شناسایی اصول و معیارهای ایشان در ارزیابی اسناد احادیث ضعیف، به تحلیل دیدگاه های وی در آثار فقهی و حدیثی پرداخته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که محقق نائینی در مواجهه با روایات، رویکرد «وثوق صدوری» را بر «وثوق مخبری» ترجیح می دهد؛ به این معنا که صحت سند را شرط لازم و نه کافی، برای اعتبار حدیث می داند و به قرائن خارج از سند، مانند عمل مشهور، شهرت روایی و تسامح در ادله سنن، توجه ویژه ای دارد.

نخستین و مهم ترین رکن در این روش، پذیرش مطلق روایات کتاب «الکافی» به عنوان مجموعه ای معتبر و صحیح السند است. محقق نائینی با استناد به نظر شاگردان و متکلمان معاصر و نیز با اشاره به این گفته که «مناقشه در اسناد کافی، حرفة العاجز است»، بر معتبر بودن تمام روایات این کتاب تأکید می کند و لزوم بررسی سندی آن ها را انکار می نماید. این دیدگاه، زمینه را برای پذیرش روایاتی فراهم

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۸۸

می‌آورد که اگرچه از نظر سندی دارای ضعف هستند، در کتاب کافی نقل شده‌اند. دومین محور مهم، استفاده از قاعده «انجبار ضعف سند به وسیله عمل مشهور» است. محقق نائینی معتقد است که اگر فقهای متقدم و مشهور بر اساس روایتی عمل کرده باشند، حتی اگر سند آن ضعیف باشد، این عمل خود به عنوان شاهدی بر صدور و اعتبار حدیث عمل می‌کند و ضعف سند را جبران می‌نماید.

سومین مؤلفه، بهره‌گیری از «تسامح در ادله سنن» است. محقق نائینی در مواردی که روایت به مستحبات و نوافل مربوط می‌شود، به‌ویژه در مسائلی که شک در مشروعیت عبادت وجود دارد، به جای تمرکز صرف بر سند، از این قاعده استفاده می‌کند.

چهارمین مؤلفه، پذیرش «احادیث مضمر» از راویان بزرگ و اجلا است. محقق نائینی با پذیرش روایت مضمره معاویه بن عمار درباره وقت نماز عشا، نشان می‌دهد که از میان سه نظر موجود درباره حجیت احادیث مضمر، قول تفصیل را پذیرفته است؛ یعنی اگر راوی مضمر از بزرگان باشد، روایت او معتبر است و وجود اضمار مانعی برای حجیت آن محسوب نمی‌شود.

درنهایت، محقق نائینی به «راویان اختلافی» مانند جابر بن یزید جعفری و اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی نیز اعتماد می‌کند و بدون توجه به اشکالات رجالی آنان، روایاتشان را در استدلالات فقهی به کار می‌برد. این رویکرد نشان‌دهنده گسترش حوزه روایات معتبر در چارچوب فقه استدلالی وی است.

به‌طور کلی، می‌توان گفت که محقق نائینی با بهره‌گیری از یک نظام شناختی گسترده و مبتنی بر قرائن عملی و روایی، به تصحیح روایات ضعیف‌السند می‌پردازد و با تأکید بر وثوق صدوری، دامنه روایات مورد استناد در فقه را فراتر از مرزهای معمول متأخران گسترش می‌دهد. این روش نه تنها به افزایش تنوع استدلالی در فقه شیعه منجر می‌شود، بلکه نمایانگر نگرشی کل‌نگر و تاریخی به میراث حدیثی است؛ نگرشی که در آن، سند تنها معیار نیست و کلیت شواهد و عمل مسلمین در طول تاریخ، نقش اساسی در تعیین اعتبار روایت دارد.

منابع

قرآن کریم

آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). **الذريعة إلى تصانيف الشيعة** (ویرایش احمد بن محمد حسینی). ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۸۵). **علل الشرائع**، قم: کتاب فروشی داوری. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). **وسائل الشيعة**. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.

حسینی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۸۵). **نتائج الأفكار في الأصول**. قم: آل مرتضی عليه السلام.

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). **معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة**. بی جا: بی نا.

خویی، سید ابوالقاسم. (بی تا). **مصباح الفقاهه** (ویرایش محمد علی توحیدی).

داوری، مسلم. (۱۴۱۶ق). **أصول علم الرجال بين النظرية والتطبيق** (ویرایش محمد علی المعلم)، بی جا: مؤلف.

ربانی، محمد حسن. (۱۳۹۴). **کافی شناسی**. مشهد: آستان قدس رضوی.

سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۶۹). **کلیات في علم الرجال**. قم: حوزه علمیه قم.

سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن. (بی تا). **ذخيرة المعاد في شرح الارشاد**. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۷۳). **رجال الطوسي** (ویرایش جواد قیومی اصفهانی). قم: جماعة المدرسين.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). **تهذيب الاحكام** (ویرایش حسن الموسوی خراسان). تهران: دار الكتب الاسلاميه.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). **الغيبة** (ویرایش عباد الله تهرانی و دیگران). قم: دارالمعارف الإسلامية.

طوسی، محمد بن الحسن. (بی تا). **العدة في اصول الفقه** (ویرایش محمد مهدی نجف). قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.

عاملی، حسن بن زین الدین. (۱۳۶۲). **منتقى الجمان في الاحاديث الصحاح و الحسان** (ویرایش علی اکبر غفاری). قم: جماعة المدرسين.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۲ق). **رجال العلامة الحلي** (ویرایش محمد صادق بحر العلوم). قم: الشريف الرضي.

کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). **رجال الكشي**. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). **الكافي** (ویرایش علی اکبر غفاری و دیگران). دارالکتب الاسلامیه.

مامقانی، عبدالله. (۱۳۸۵). **مقباس الهداية في علم الدراية** (ویرایش محمد رضا مامقانی). دلیل ما.

مامقانی، عبدالله. (۱۴۳۱ق). **تنقيح المقال في علم الرجال** (ویرایش محی الدین مامقانی). قم:

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۰
۱۴۰۴

۹۰

مؤسسة آل البيت عليه السلام .

مجلسي، محمد باقر. (١٤٠٤ق). *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول* (ويرايش سيد هاشم رسولي محلاتي). دار الكتب الإسلامية.

مظفر، محمد رضا. (١٤٣٠ق). *اصول الفقه*. قم: جامعه مدرسين.

نائيني، محمد حسين. (١٤١١ق). *كتاب الصلاة* (ويرايش محمد علي كاظمي). قم: جامعه مدرسين.

نائيني، محمد حسين. (١٤١٨ق). *الصلاة في المشكوك*. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام .

نائيني، محمد حسين. (١٤٢١ق). *الرسائل الفقهية*. قم: مؤسسه معارف اسلامي امام رضا عليه السلام .

نجاشي، احمد بن علي. (١٣٦٥). *رجال النجاشي* (ويرايش موسى شيرازي زنجاني). قم: جماعة المدرسين.

References

The Holy Qur'ān. Taṣā

Āqā Buzurg Tihirānī, Muḥammad Ḥasan. 1982/1403. *Al-Dharī‘at Ilā Taṣānīf al-Shī‘at*. Beirut: Dār al-Aḍwā’.

al-Ḥurr al-‘Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 1988/1409. *Tafṣīl Wasā’il al-Shī‘a ilā Tahṣīl al-Masā’il al-Sharī‘a*. Qom: Mu’assasat Āl al-Bayt li Ihya’ a-Iturāth.

al-Jazā’irī al-Murawwīj, al-Sayyid Muḥammad Ja‘far. 2004/1385. *Natā’ij al-Afkār fī al-Uṣūl. Taqrīrāt Buḥūth Sayyid Maḥmūd Ḥusaynī Shārūdī*. Qom: Manshūrāt Āl al-Murtaḍā.

al-Mūsawī al-Khu‘ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1992/1413. *Mu‘jam Rijāl al-Ḥadīth*. 5th. Qom: Madīnat al-‘Ilm.

al-Mūsawī al-Khu‘ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. n.d. *Miṣbāḥ al-Fiqāhah*. Edited by Muḥammad ‘Alī Tawḥīdī.

Dāwarī, Muslim. 1995/1416. *Uṣūl ‘Ilm al-Rijāl Bayn al-Nazarīyat wa al-Taṭbīq*. Edited by Muḥammad ‘Alī al-Mu‘alim. The office of the Author.

Rabbānī, Muḥammad Ḥasan. 2015/1394. *Kāfī Shināsī*. Mashhad: Manshūrāt Āstān Quds Razawī.

al-Subḥānī al-Tabrizī, Ja‘far. 1990/1369. *Kullīyāt fī ‘Ilm al-Rijāl*. Qom: Ḥawzat al-‘Ilmīyyat.

al-Sabzawārī, al-Sayyid Muḥammad Bāqir (al-Muḥaqqiq al-Sabzawārī). n.d. *Dhakhīrat al-Ma‘ād fī Sharḥ al-Irshād*. Qom: Mu’assasat Āl al-Bayt li Ihya’ al-Turāth.

al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1994/1373. *Rijāl al-Ṭūsī*. Qom: Mu’assasat al-Nash al-Islāmī li Jmā‘at al-Mudarrisīn.

تصحیح روایت
ضعیف السند
توسط محقق
نائینی علی بن ابی طالب

al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1986/1407. *Tahdhīb al-Aḥkām fī Sharḥ al-Muqni‘at lil Shaykh al-Mufīd*. Edited by Sayyid Ḥasan Khurāsānī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.

al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1990/1411. *Al-Ghībat*. Qom: Dār al-Ma‘rifa al-Islāmīyah.

al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). n.d. *al-Uddat fī al-Uṣūl*. Qom: Mu‘assasat Āl al-Bayt Li Ihya‘ al-Turāth.

al-‘Āmilī, Ḥassan Ibn Zayn al-Dīn. 1983/1362. *Muntaqī al-Jumān fī al-Aḥādīth al-Sihāḥ wa al-Ḥisān*. Edited by ‘Alī Akbar Ghaffārī. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.

al-Hillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-‘Allāma al-Hillī). 1981/1402. *Rijāl al-‘Allāmat al-Hillī*. Edited by Muḥammad Ṣādiq Bāḥr al-‘Ulūm. Qom: al-Sharīf al-Raḍī.

al-Kashshī, and Muḥammad Ibn ‘Umar. 1970/1390. *Rijāl al-Kashshī*. Edited by al-Muṣṭafawī and Ḥasan. Mashhad: Mu‘assisi-yi Nashr-i Dānishgāh-i Mashhad (Mashhad University Publication institute).

al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya‘qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1987/1407. *Uṣūl al-Kāfī*. Edited by ‘Alī Akbar Ghaffārī and Muḥammad Ākhundī. 4th. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.

Al-Māmqaṇī, ‘Abdullāh. 2006/1385. *Miqbās al-Hidāyat fī ‘Ilm al-Dirāyat*. Edited by Muḥammad Riḍā Māmqaṇī. Manshūrāt Dalīl Mā.

Al-Māmqaṇī, ‘Abdullāh. 2010/1431. *Tanqīḥ al-Maqāl fī ‘Ilm al-Rijāl*. Qom: Mu‘assasat Āl al-Bayt li Ihya‘ al-Turāth.

al-Majlisī, Muḥammad Bāqir (al-‘Allāma al-Majlisī). 1984/1404. *Mirāt al-Uqūl fī Sharḥ Akhbār Āl al-Rasūl*. 2nd. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.

al-Muẓaffār, Muḥammad Riḍā. 2009/1430. *Uṣūl al-Fiqh*. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.

Al-Gharawī al-Nā‘īnī, Muḥammad Ḥusayn (al-Muḥaqqiq al-Nā‘īnī, Mīrzā Nā‘īnī). 1990/1411. *Kitāb al-Ṣalat*. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.

Al-Gharawī al-Nā‘īnī, Muḥammad Ḥusayn (al-Muḥaqqiq al-Nā‘īnī, Mīrzā Nā‘īnī). 1997/1418. *al-Ṣalat fī al-Mashkūk*. Qom: Mu‘assasat Āl al-Bayt li Ihya‘ al-Turāth.

Al-Gharawī al-Nā‘īnī, Muḥammad Ḥusayn (al-Muḥaqqiq al-Nā‘īnī, Mīrzā Nā‘īnī). 2000/1421. *Al-Rasā‘il al-Fiqhīyah*. Qom: Mu‘assasat al-Ma‘ārif al-Islāmī.

al-Najjāshī, Aḥmad Ibn ‘Alī. 1986/1365. *Rijāl al-Najjāshī*. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.